



«آزادی بیان» یک مرام صهیونیستی است / آزادی بیان یک فریب صهیونیستی است / آیا بازی آزادی بیان همیشه به نفع دروغگوها تمام نمی‌شود؟ / «آزادی بیان» بیش از فایده، ضرر دارد / فواید آزادی بیان، با روش دیگری و با آسیب‌هایی کمتر از آزادی بیان،

محقق می‌شود

حجت الاسلام علیرضا پناهیان در دهه اول محرم، در دانشگاه هنر با موضوع «عنصر شجاعت در هنر و حماسه» به ایراد سخنرانی پرداختند. گزیده‌ای از هفتمین جلسه این سخنرانی در ادامه می‌آید:

اگر انسان اساساً به «آزادی‌های اجتماعی» نیاز دارد، پس چرا در قرآن نیامده است؟

- در ادامه بحث ترس، مقدماتاً، اشاره به یک مطلب مهم در عرصه علوم انسانی بسیار ضروری است. این مقدمه را با سؤال مهمی آغاز می‌کنیم و آن اینکه: چرا در قرآن کریم صریحاً از کلمه «آزادی» سخنی به میان نیامده است؟ مگر آزادی مسأله مهم بشر نیست؟ آیا در آن زمان آزادی مسأله بشر نبوده، و امروزه این اهمیت پیدا شده است؟ آیا قرآن تنها به مسائل جامعه آن روز پرداخته است؟ و آیا انسان اساساً نیاز به آزادی دارد؟ یا به صورت مقطعی و در دوران ما چنین نیازی پیدا کرده است؟ اگر انسان اساساً به آزادی نیاز دارد، پس چرا در قرآن نیامده است؟ این سؤالات در مورد «آزادی بیان» هم مطرح است. ارزش‌های آزادی بیان چیست؟ آیا خدا هیچکدام از ارزش‌های آزادی بیان را قبول ندارد؟ شاید ما از اساس نگاه درستی به این مقوله آزادی بیان نداشته‌ایم.

۱- فواید آزادی بیان چیست؟ / آیا با مفهومی غیر از آزادی، نمی‌توان به آن فواید دست پیدا کرد؟

- از طرفداران آزادی بیان باید پرسید: قرار است با مفهوم آزادی بیان و تحقق آن در جامعه به چه نتایجی برسیم؟ چه فوایدی برای آزادی بیان وجود دارد؟ هر فائده‌ای را که می‌خواهید برای آن در نظر بگیرید. حالا باید این سوال بسیار اساسی را پرسید آیا نمی‌توان با مفهومی غیر از آزادی بیان به آن فواید دست پیدا کرد؟ حتی به گونه‌ای که آن فواید، بهتر بیشتر و عمیق‌تر شود و از آسیب‌های کمتری هم برخوردار باشد؟

چرا خداوند به جای تصریح به «آزادی بیان»، صاحبان حرف حق را به شجاعت و نترسیدن توصیه کرده؟

- آیه شریفه: الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ (زمر/۱۸) اگر به آزادی بیان ربط داشته باشد، بدون اینکه علم آزادی بیان را بلند کند، و تصریح یا تأکیدی بر آزادی بیان داشته باشد، به کسانی بشارت داده است که از بهترین سخنان تبعیت کند.
- اما در آیه مورد بحث که می‌فرماید: الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا، (سوره احزاب، آیه ۳۹) می‌بینید خداوند متعال به جای تصریح به «آزادی بیان»، از زاویه دیگری به این موضوع پرداخته است و فرموده است: «آنها که حرف حقی برای گفتن دارند، از بیان آن نترسند و آن را بگویند». «تبلیغ رسالات الهی» همان سخن حقی است که می‌تواند مصادیق متنوعی داشته باشد. به هر حال به جای اینکه بفرماید: «به کسانی که



می‌خواهند سخنی بگویند آزادی بیان بدهید تا آنان که رسالات الهی را بیان می‌کنند هم آزادی بیان پیدا کنند و مانعی بر سر راه تبلیغشان نباشد»، می‌فرماید: «خود کسانی که اهل تبلیغند نباید بترسند و نمی‌ترسند.»

آسیب‌های «آزادی بیان» چیست؟ / آیا با مفهومی غیر از آزادی، می‌توان از آن آسیب‌ها کاست؟

- بی‌شک مفهوم آزادی و آزادی بیان فوایدی دارد، اما بدون تردید آسیب‌هایی هم دارد. باید دید آیا امکان دارد به همان فواید از راه دیگری که آسیب‌های کمتری دارد رسید؟ برای درک اهمیت این سوال باید به فریب‌ها و آثار سوء آزادی بیان توجه کرد. ما که تاکنون هرچه دیده‌ایم مفهوم آزادی بیان بیشتر به نفع سرمایه‌داران زالو صفت و صهیونیست‌ها بوده است.
- البته هر سخن حقی می‌تواند آسیب‌هایی داشته باشد و مورد سوء استفاده قرار بگیرد. هم از آزادی ممکن است سوء استفاده شود و هم از آیات قرآن (همانطور که عده‌ای به استناد برخی آیات قرآن به جنگ با حضرت علی(ع) برخاستند)، اما باید دید آسیب کدام مفهوم کمتر است؟ قطعاً به دلیل کمتر بودن آسیب‌های روش قرآن و روش برخورد دین با مفاهیم اجتماعی باید به نگاه دینی برگردیم؛ و نباید تعصب داشته باشیم که برخی مفاهیم علم شده در جوامع پر از مشکلات مدرن را مسلمات و مقدسات اولیه حیات انسان تلقی کنیم.

در فضای آزادی بیان، اکثرأ سخن «باطل» رد و بدل می‌شود یا سخن «حق»؟ / آیا بازی آزادی بیان همیشه به نفع دروغ‌گوها تمام نمی‌شود؟ / «آزادی بیان» بیش از فایده، ضرر دارد

- یکی از فواید آزادی این است که «در فضای آزاد، حرف حق هم رد و بدل می‌شود». خب خدا کاری کرده است که حرف حق حتماً رد و بدل بشود و دستور داده که کسی که حرف حق می‌زند، از غیر خدا نترسد. ولی در آزادی بیان، حرف بد هم رد و بدل می‌شود. حالا اگر دقت کنید می‌بینید وقتی ملاک ارزش، «آزادی بیان» باشد بیشتر حرف «بد» رد و بدل می‌شود، یا آنجا که «شجاعت در بیان سخن حق» ارزش محوری می‌شود حرف بد و ناصحیح مطرح می‌گردد؟ پس آزادی بیان بیش از فایده، ضرر خواهد داشت؟ آیا در شرایطی که آزادی بیان ارزش محوری باشد، بازی همیشه به نفع فریب‌کارها و دروغ‌گوها تمام نمی‌شود؟ در حالی که اگر ارزش محوری با مفهوم شجاعت در بیان حق باشد، فریب‌کاری‌ها و دروغ‌گویی‌ها راحت‌تر قابل کنترل است.

توصیه اول قرآن به صاحبان حرف حق: «از غیر خدا نترسید»

- پس روش قرآن (با توجه به آیه ۳۹ سوره احزاب: الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ يَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ...) این است که آنان که حرف حقی برای گفتن دارند، باید حرفشان را بزنند؛ اعم از اینکه آزادی باشد یا نباشد. اگر سرشان هم بر دار رفت، باید حرفشان را بزنند. این خود موجب پدید آمدن نوعی آزادی معقول و منطقی برای بیان سخن حق می‌شود.

توصیه دوم قرآن به صاحبان حرف حق: «اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»

- توصیه دیگر قرآن برای تحقق فواید آزادی بیان این است که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای الهی پیشه کنید، و سخن درست و استوار بگویید» (احزاب؛ ۷۰). اگر کسی حرفی زد، باید حرفش درست و صحیح باشد. خدا به جای اینکه بگوید «آزادی بیان هنرمندان، مبلغان و متفکران و رسانه‌ای‌ها را فراهم کنید و جو آزادی بیان درست کنید»، دستور می‌دهد که برای بیان و حرف زدن، «تقوا داشته باشید و حرف درست بزنید.» در



فضایی که فقط آزادی بیان تبلیغ شود، معلوم است که این فضا معمولاً به نفع دشمنان بشریت تمام می‌شود. اما تأکید بر قول سدید و درست حرف زدن بیشتر به نفع پیامبران و رفع مظلومیت از محرومان تمام می‌شود.

وقتی تنها بر فضای باز تأکید شود، حرف غلط بیشتر رد و بدل می‌شود

- وقتی تنها بر فضای باز تأکید شود، بیشترین حرفی که رد و بدل می‌شود حرف غلط خواهد بود. مانند وقتی که انواع محدودیت‌ها کم باشد، بیشتر شاهد ظلم و ستم خواهیم بود تا رشد و بالندگی. بعد لازم است قوانین و ضوابط فراوانی تنظیم شود، تا از آسیب‌ها جلوگیری نمایند. در نهایت هم معمولاً ضوابط چندان کارگر نخواهند بود. تأکید بر آزادی بیان چنین گرفتاری‌هایی زیاد دارد. ولی این مشکلات در شیوه نگاه قرآن بسیار کمتر است. ممکن است کسی به بهانه بیان سخن حق و حق طلبی به سخن باطل پردازد ولی کنترلش راحت‌تر است بالاخره حرف حق منطق و ملاک‌هایی دارد که راحت‌تر قابل ارزیابی است. در فضای نگاه قرآن، در قدم اول لازم است که فرد، مبلغ رسالات خدا باشد و اهل سخن حق باشد. از اول هم به سخن گفتن هر کسی بها داده نشده است که همین که حرف بزند ارزشمند باشد، بلکه باید حرف حق بزند.

«آزادی بیان» حربه غرب برای ایجاد اختلاف در جامعه/ «آزادی بیان» یک مرام صهیونیستی

- یکی از آسیب‌های مهم آزادی بیان به عنوان یک ارزش محوری این است که می‌تواند منشاء اختلافات شود و همه افراد جامعه را به جان هم بیندازد. امید استکبار برای اینکه بتواند یک جامعه را به نزاع و اختلاف بکشاند، ارزش محوری دادن به همین آزادی بیان است. با چنین تحلیلی کلمه آزادی بیان به جای اینکه یک کلام مقدس بشود، می‌شود یک مرام صهیونیستی.

دغدغه قرآن برای اهل رسانه، تقوا است نه آزادی / با تقوا، آزادی حقیقی ایجاد می‌شود / خفقان

ناشی از رسانه‌های آزاد، بدتر از خفقان دیکتاتورها

- دغدغه قرآن برای اهل رسانه، تقوا است نه آزادی. اگر آزادی هم نباشد، کسی که تقوی دارد شجاع است و در فضای فاقد آزادی هم حرف خودش را می‌زند. آزادی هم نباشد، آزادی را درست می‌کند. اگر تقوا باشد نه تنها از آزادی سوء استفاده نمی‌شود بلکه آزادی حقیقی نیز ایجاد خواهد شد. چون خود رسانه‌ها می‌توانند یک نوع خفقان و سلب آزادی بیان را به جامعه و اندیشمندان تحمیل کنند که از خفقان دیکتاتورهای نظامی بدتر است.

